

توصیه‌های اخلاقی اسلام هنگام طلاق (۱)

نرگس زرین‌جویی*

مقدمه

طلاق در طول تاریخ به عنوان راه‌حلی برای پایان‌دادن به مشکلات زناشویی مطرح بوده و هست، لکن در هر جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است. از نظر اسلام، طلاق به عنوان مبعوض‌ترین حلال، آخرین راه‌حل است. با این‌که در اسلام به آن توصیه نشده اما قواعد و آداب ویژه‌ای را دارد. جدا از احکام شرعی مربوط به طلاق، توصیه‌های اخلاقی هم در این باره آمده است که موجب کمترشدن آسیب‌های این جدایی‌ناپذیر شود. بنابراین، باید کوشید در کنار تبیین احکام حقوقی طلاق، جایگاه اخلاقی آن را که در قرآن و روایات بررسی کرد. این موضوع در سه محور سامان یافته است: اخلاق پیش از طلاق، اخلاق هنگام طلاق، اخلاق پس از طلاق.

توصیه‌های اخلاقی پیش از طلاق

آمار رو به افزایش طلاق در هیچ عصری، چنین نگران‌کننده نبوده است، ولی باید به حداقل

* کارشناس ارشد فلسفه اخلاق.

ممکن تقلیل یابد؛ چراکه در روایات اسلامی طلاق، به‌شدت مذمت شده است. اگر روابط همسران در زندگی زناشویی، سست و متزلزل شد می‌توانند از دستورهای اخلاقی، مانند صبر، صلح و سازش، مشاوره و دادگاه خانوادگی بهره‌گیرند تا زندگی زناشویی به طلاق منجر نگردد، چرا که حاکمیت اخلاق اسلامی می‌تواند از افزایش طلاق جلوگیری کند. نهادینه‌کردن اخلاق و روش اسلامی و دینی در زندگی اجتماعی، مانع بروز پدیده طلاق می‌شود، اخلاق اسلامی فرصتی به مرد و زن می‌دهد که اگر تحت تأثیر هیجانات عادی، حاضر به طلاق شده باشند، مجالی برای تجدید نظر و بازگشت پیدا کنند.

الف) گذشت و سازش

هنگامی که اختلاف میان زوجین به وجود می‌آید و در آستانه‌ی طلاق قرار می‌گیرند، سفارش اسلام این است که همسران در مرحله نخست بکوشند خودشان اختلاف را رفع کنند و با گذشت و سازش آن را حل نمایند. اگر به جهاتی از همسر خود رضایت کامل نداشته‌اند عجلانه تصمیم به جدایی نگیرند و تا حد ممکن گذشت را پیشه خود سازند، زیرا ممکن است انسان در تشخیص خود اشتباه کرده باشد و آن‌چه را نمی‌پسندد خداوند در آن خیر قرار داده باشد. سفارش قرآن و پیشوایان دین در باره، گذشت و سازش با همسر در اوج اختلاف، گویای اهمیت و ضرورت مسأله است: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهَا أَنْ يُصَلِّحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»^۱ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند [وزن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، به‌خاطر صلح، صرف نظر نماید] و صلح، بهتر است «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۲ و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، [به‌جهتی] کراهت داشتید، [فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!] چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.»

یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام از همسر خود شکایتی نزد حضرت مطرح کرد. حضرت پس از پذیرش نقص‌هایی که در میان آنان وجود دارد، به او سفارش فرمودند: «فَدَارُوهُنَّ عَلَى كُلِّ

۱. نساء، آیه ۱۲۸.

۲. همان، آیه، ۱۹.

حَالٍ وَأَحْسِنُوا^۱ با زنان در همه حال مدارا کنید، خوش زبان و نرم‌خو باشید و در تمام امور نیکی نمایید. «مدارا، بیشترین تأثیر را در اصلاح یا دست‌کم کاستن ناسازگاری همسران دارد. حافظ:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان، مروّت با دشمنان، مدارا^۲

ب) صبر و بردباری

صبر، یکی از ویژگی‌های اخلاقی است که در جلوگیری از طلاق بسیار مؤثر است. سفارش‌های فراوان اسلام درباره صبر همسران نسبت به یکدیگر و تحمل نارسایی‌های اقتصادی و مشکلات زناشویی، حاکی از آن است که اسلام در صورت وجود گرفتاری‌های تحمل‌پذیر، طلاق را مبعوض دانسته تا حد امکان از فروپاشی بنای مقدس خانواده جلوگیری می‌کند. در روایت آمده است: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَاهُ دَاوُدُ عَلَى بَلَائِهِ وَمَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةِ بِنْتِ مُزَاحِمٍ»^۳ مردی که بر بداخلاقی زنش صبر و بردباری کند، خداوند پاداشی را که به داود عليه السلام به خاطر تحمل بلا و سختی عطا کرد به او می‌دهد، و زنی که بر بداخلاقی شوهرش شکیبایی به خرج دهد، خداوند همانند پاداش آسیه دختر مزاحم را به او خواهد داد. «مردی خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبال می‌آید و چون از خانه بیرون می‌روم، بدرقه‌ام می‌کند. زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: اگر برای رزق و روزی (مخارج زندگی) غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند (بیشتر به فکر آخرت باشی). پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ»^۴ برای خدا کارگزارانی است و این زن، یکی از صد هزاران کیمیا حق آفرید

۱. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۳.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ، غزلیات، ص ۴، غزل ۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۰.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷.

۵. مولوی، محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۸۱.

این در حالی است که بر پایه اطلاعات منتشر شده از طرف سازمان ثبت احوال کشور، در ۹ ماهه سال ۱۳۹۴؛ ۳۹/۸ درصد از کل طلاق‌های ثبت شده در مناطق شهری به خانواده‌هایی مربوط است که کم‌تر از چهار سال از شروع زندگی مشترک‌شان گذشته است. این شاخص در مناطق روستایی کشور؛ ۴۹/۴ درصد از کل طلاق‌های ثبت شده است^۱. این آمار، نشان‌دهنده عجول بودن و کم‌صبری زوجین در اختلافات خانوادگی است. مجله نیوزویک می‌نویسد: «علت طلاق در ازدواج‌های ده یا بیست ساله، ناسازگاری نیست، بلکه بی‌میلی به تحمل ناسازگاری‌های دیرین و هوس برای درک لذت بیش‌تر و کامجویی‌های دیگر است... زن آمریکایی امروز، کامجوتر از زن دیروزی بوده و در برابر نارسایی آن کم‌تحمل‌تر از مادر بزرگ خویش است.»^۲

مطالعات نشان می‌دهد که تنها حدود یک سوم زوج‌های طلاق‌گرفته، گفته‌اند که آزار، جروبحث‌های تکراری و دعوای جدی، علت طلاق آنان بوده است. این روزها آستانه تحمل افراد، برای رویارویی با ناراحتی‌ها بسیار پایین‌تر از گذشته شده و به همین، دلیل ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌گردد.

ج) دخالت سازنده والدین

یکی از دلایلی که زندگی را با مشکل مواجه و در پاره‌ای موارد، به طلاق منجر می‌شود، دخالت‌های نابه‌جای والدین است. به طور طبیعی، والدین، نخستین و مهم‌ترین پایه‌گذاران شخصیت و معیار فکری فرزندان هستند و نقش حیاتی در تعیین سرنوشت آنان دارند. فرزندان نیز برای رشد و تعالی روانی خود، نیازمند هدایت و راهنمایی خانواده‌اند. حال اگر خانواده، این روش را در تمام مراحل زندگی فرزندان، حتی زمانی که آنها زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، بی‌حد و مرز و بدون رعایت حریم زندگی جدید ادامه دهد، زمینه ناسازگاری را به وجود خواهد آورد. اقوام نزدیک مانند پدر و مادر با دفاع از یک طرف، با طرف مقابل برخورد می‌کنند و کم‌تر حق و عدالت را در نظر می‌گیرند و به دلیل وابستگی عاطفی، معمولاً از روی احساسات قضاوت می‌کنند. اینها مسائلی است که مورد توجه قرار نمی‌گیرد، ولی بیشترین اختلاف را میان

۱. خبرگزاری تحلیلی ایران، دوشنبه ۱۳۹۴/۱۰/۲۱، کدخبر: ۴۷۳۰۴.

۲. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

زوجین به وجود می‌آورد. طبق آخرین آمار ثبت احوال، دخالت خانواده‌ها رتبه اول در میان عوامل طلاق زوج‌ها است، بر این اساس، دخالت خانواده‌ها مهم‌ترین علت طلاق در سال ۹۳ بوده است.^۱ گاه با یک برخورد جزئی، پدر یا مادر، دست دخترش را می‌گیرد و با عصبانیت به خانه می‌برد و یا مادر پسر بدون این‌که بفهمد موضوع چه بوده و حق به جانب کیست، از پسرش دفاع کرده و با عروسش رفتاری ناشایست انجام می‌دهد. آقایی می‌نویسد:

«تا حال سه مرتبه مادرزمن ما را تا آستانه طلاق برده، مثل عقرب نیش می‌زند، به دخترش یاد می‌دهد که به من بی‌احترامی کند، به کارهای منزل نرسد و توقعات بی‌جا داشته باشد. هر وقت به خانه ما می‌آید، تا یک هفته منزل ما به جهنم بدل می‌شود؛ برای همین چشم دیدنش را ندارم.»^۲

زن سی‌ساله‌ای مادر پنجاه‌ساله‌اش را که باعث جداشدن او از همسرش شده بود، کتک زد. زن گفت:

«از بس مادرم از شوهرم بدگفت و او را متهم به بی‌اعتنایی به خانواده کرد، با وی اختلاف پیدا کردم و حاضر شدم از او طلاق بگیرم. فوری پشیمان شدم؛ اما پشیمانی سودی نداشت؛ زیرا شوهرم شش ساعت پس از جدا شدن از من، دخترخاله‌اش را نامزد کرد و من از فرط ناراحتی مادرم را کتک زدم.» توصیه می‌شود والدین سعی کنند برای حفظ حرمت خود و سعادت زندگی فرزندان، از مداخله در زندگی آنان خودداری کرده و در صورت ضرورت، با خونسردی و به دور از تعصب فرزندی و فامیلی و در کمال انصاف، طرفین را موعظه و نصیحت کنند و خالصانه بکوشند تا آنان را صلح و آشتی دهند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ مَشَى فِي صَلَاحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَلَدَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ أُعْطِيَ أَجْرَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَنْ مَشَى فِي قَطِيعَةٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ كَانَ لَهُ مِنَ الْوِزْرِ بِقَدْرِ مَا لِمَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنَ الْأَجْرِ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ فَيَضَاعَفَ لَهُ الْعَذَابُ»^۳ هر کسی که برای ایجاد مصالحه و آشتی میان دو نفر گام بردارد و تا زمانی که در آن راه گام بر می‌دارد، درود خداوند متوجه او می‌گردد تا آن‌گاه که بر می‌گردد و پاداشی هم‌سنگ پاداش شب قدر برای او در نظر گرفته می‌شود. و هر کسی که برای

۱. روزنامه جام جم، ۱۳۹۴/۲/۲۰، ص ۱۷، کدخبر: ۴۲۵۴.

۲. اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.

۳. شیخ صدوق، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ص ۲۸۰.

ایجاد جدایی بین دو نفر گام بردارد، به همان اندازه که برای ایجادکننده صلح و آشتی ثواب در نظر گرفته می‌شود، برای او نیز گناه نوشته می‌شود، به‌گونه‌ای که لعنت خداوند بر او جاری است تا این‌که وارد جهنم می‌شود و به عذاب دوچندان گرفتار می‌آید.»

(د) دادگاه خانوادگی

از دستورهای اسلام برای محدود کردن طلاق و جلوگیری از وقوع آن، لزوم رجوع اختلافات زناشویی به حکمیت است. معمولاً زن و شوهر در تب و تاب ناشی از برانگیخته شدن احساسات خود، از عواقب و تبعات منفی جدایی (طلاق) غافلند؛ از این رو، یادآوری و هشدار در ابتدای بروز جدایی و دشمنی میان زن و شوهر، لازم و ضروری است. گاهی احساسات، چنان بر زوجین غلبه می‌کند که آنان را به مرز تعقل ناپذیری می‌رساند و در این حال دخالت افرادی آگاه با تجارب کافی برای از میان بردن اختلافات زوجین لازم است تا از فروپاشی کانون گرم خانواده، جلوگیری شود. در قرآن کریم آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا...»^۱ و اگر ترسیدید که میان زن و شوهر جدایی بیفتد، پس داوری از بستگان مرد و داوری از بستگان زن را بفرستید (تا میان آن‌ها آشتی برقرار کنند) که اگر آن دو اراده اصلاح کنند خداوند میانشان سازگاری برقرار خواهد نمود زیرا خداوند از همه چیز باخبر است.» حکمیت و داور خانوادگی، رهنمودی مطابق با فطرت و سرشت انسان‌هاست و هدف آن، پیش‌گیری از بروز جدایی است و لازم است دست اندرکاران امور خانواده، کوشش خود را برای پیش‌گیری از کشیده شدن دعوا به محاکم رسمی به‌کار گیرند، پیش از آن‌که زن و شوهر و اطرافیان ناآگاه، پل‌های بازگشت را به روی خود خراب کنند. در گذشته، بسیاری از مشکلات خانواده‌ها به وسیله بزرگان فامیل حل می‌شد و در مواردی که نزدیکان از رفع اختلاف زوجین عاجز می‌شدند، از روحانیان محل کمک می‌گرفتند، زیرا این محکمه، امتیازهای بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. محیط خانواده، کانون احساسات و عواطف است؛ یعنی همان‌گونه که در دادگاه‌های جنایی نمی‌توان با مقیاس محبت و عاطفه عمل کرد، در محیط خانواده نیز نمی‌توان، تنها با مقیاس

۱. نساء، آیه ۳۵.

خشک قانون و مقررات بی روح گام برداشت. از این رو، قرآن کریم دستور می‌دهد که داوران این محکمه باید از خویشاوندان زوجین باشد تا بتوانند عواطف آنها را در مسیر اصلاح تحریک نمایند.

۲. چنین محکمه‌ای هیچ‌یک از مشکلات و هزینه‌های سرسام‌آور و سرگردانی‌های محاکم معمولی - که در بعضی موارد چند سال طول می‌کشد - را ندارد و طرفین بدون هیچ‌گونه تشریفات می‌توانند در کمترین مدت به مقصود خود نایل شوند.

۳. در محاکم عادی قضایی، برخی افراد برای دفاع از خود، هرگونه اسراری را فاش می‌نمایند، ولی اسرار این دادگاه به بیگانگان نمی‌رسد و مسائل اختلافی در میان خودشان می‌ماند.^۱

توصیه‌های اخلاقی در زمان طلاق

در اسلام، پیوند زناشویی، پیوند مقدسی است که برای آرامش روح و جسم بشر، لازم و ضروری است. همان‌گونه که در اسلام، ازدواج امری مقدس و پسندیده می‌باشد و برای ثبات و پایداری آن تأکید فراوان شده است، طلاق، امری ناپسند و نامقدس است که برای جلوگیری از آن از هر وسیله ممکن استفاده شده و در کلمات شارع مقدس، از آن به امری که خشم خدا را در پی دارد، تعبیر شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاق»^۲؛ هیچ چیز در پیشگاه خدا محبوب‌تر از خانه‌ای که به ازدواج، یاد شده باشد نیست و هیچ چیز، در پیشگاه خدا منفورتر از خانه‌ای که در اسلام، به طلاق ویران شود، نیست. «زندگی مشترکی که عاری از عشق، همراهی، هم‌دلی و هم‌گرایی است و هیچ کدام از زن و شوهر یا یکی از آنها حاضر نیست به سوی هم‌گرایی و رفع کدورت‌ها و به وجود آمدن صمیمیت قدمی بردارد یا یکی از آنها به انحراف‌هایی مبتلا شده و تداوم همسری با او امکان‌پذیر نیست یا پیوند آنان از ابتدا نادرست بوده و اصلاح‌پذیر نیست و تداوم آن جز شکنجه و درگیری روحی، ثمره‌ای ندارد، و یا با فلسفه تشکیل آن که رسیدن به آرامش است تضاد دارد و اگر تلاش زوجین برای رفع بحران به نتیجه نرسید، طلاق، آخرین گزینه است.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۵؛ قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۲۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

نقطه‌ی اوج تعالیم اسلام در موضوع حکومت اخلاق‌مداری بر روابط خانوادگی را می‌توان در توصیه‌های مکرر قرآن کریم در بحث انحلال خانواده دانست، جایی که زن و شوهر، به حد انزجار و نفرت از یکدیگر رسیده‌اند و مسیر جدایی از یکدیگر را دنبال می‌کنند، نیز به توصیه‌ی دین اسلام زن و شوهر باید احترام به شخصیت و اعاده‌ی حقوق یکدیگر را مورد نظر قرار دهند و با رعایت اصل معروف جدا شوند. هرچند در کشور ما از طریق رسانه‌ها و تربیون‌های مقدس درباره مسائل مربوط به طلاق مطالبی گفته می‌شود، اما به این موضوع که چگونه می‌توان اخلاق اسلامی را در طلاق رعایت کرد پرداخته نشده است؛ این در حالی است که در آموزه‌های قرآنی و روایی بر طلاق اخلاقی و پسندیده تأکید شده است. بنابراین؛ به جاست تصویری از طلاق پسندیده در اسلام، یعنی طلاق که مصداق «معروف است» ارائه گردد:

الف) طلاق پسندیده

زن و شوهری که هنر زندگی با همدیگر را ندارند یا به دلایلی مصلحت را در جدایی می‌دانند باید در زمان طلاق یا پس از آن، با الگوگرفتن از آیات قرآن و کلام اولیای دین «طلاق پسندیده» را به عنوان الگو در دستور کار قرار دهند. نکته‌ای که از بررسی آیات طلاق آشکار می‌گردد؛ این است، که قواعد حقوقی در قلمرو خانواده باید رنگ اخلاقی بگیرد و طلاق در آموزه‌های دینی اسلام، هم دست‌ورالعمل حقوقی و هم اخلاقی دارد؛ به همین جهت کلمه؛ معروف، در قرآن کریم در رابطه با طلاق، دوازده بار تکرار شده یعنی بیشترین استعمال آن در حادثه‌ترین مرحله روابط زن و شوهر و هنگام طلاق است. حفظ شأن و کرامت زن، احسان و نیکوکاری، تشویق به عفو و گذشت، تحت فشار قرار ندادن زنان برای بخشیدن مهریه، بازگشت‌پذیری طلاق، حفظ حدود الهی در طلاق و صدها آموزه دینی و قرآنی دیگر از ملزومات یک طلاق سالم و پسندیده اسلامی است که کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. خداوند متعال در قرآن کریم، برای هدایت جریان طلاق در محدوده اخلاق، سه بار رعایت «حُدُودَ اللَّهِ»^۱ را یادآور و می‌فرماید: «هر کس از حدود الهی تجاوز کند، از ظالمین است» و نیز با بیان قاعده کلی «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ»^۲ این اصل استنباط می‌شود که هر مردی در زندگی خانوادگی یکی از دو راه را

۱. بقره، آیه ۲۲۹.

۲. همان.

باید انتخاب کند: یا تمام حقوق و وظایف را به خوبی و شایستگی انجام دهد (امساک به معروف - نگهداری به شایستگی) و یا پیوند زوجیت را قطع کرده زن را رها نماید (تسریح به احسان - رها کردن به نیکی). خداوند این دو عمل را که در بحرانی‌ترین روابط میان زن و مرد است، نیز به معروف و احسان مقید فرموده است. همان‌گونه که زندگی مشترک باید روی اصول انسانی و شایسته و اخلاقی باشد جدایی نیز باید خالی از هر گونه جار و جنجال، نزاع، بدگویی، ناسزا، اجحاف و تزییع حقوق باشد. همان‌گونه که پیوندها با صلح و صفا انجام می‌گیرد، جدایی‌ها نیز باید توأم با تفاهم باشد، چراکه ممکن است در آینده این زن و مرد به فکر تجدید زندگی مشترک بیفتند، ولی بد رفتاری‌ها هنگام جدایی، چنان جو فکری آنها را مخدوش می‌کند که راه بازگشت را به روی آنها می‌بندد و به فرض این که بخواهند دوباره با هم زندگی کنند، زمینه فکری و عاطفی مناسبی ندارند، از سوی دیگر زوجین به جامعه متعلق‌اند و جدایی همراه با مخاصمه و درگیری و امور ناشایست، نه تنها در آنان اثر می‌گذارد، بلکه در بستگان دو طرف هم آثار زیان‌باری دارد.

ب) طلاق ناپسند

با توجه به تمام احکام دقیقی که اسلام در شرایط و نحوه‌ی جدایی زوجین بیان فرموده، مشاهدات حاکی از این موضوع است که در اکثر موارد، احکام اسلامی در این باره اجرا نمی‌شود و طلاق در دادگاه‌ها، معمولاً مسیری متفاوت از آنچه احکام اسلامی بیان فرموده طی می‌شود. زوجین و اطرافیان‌شان برخلاف آموزه‌های اخلاقی اسلام، شیوه‌ی طلاق ناپسند را در پیش می‌گیرند و مرتکب گناهان کبیره و رفتارهای غیراخلاقی می‌شوند که به برخی مصادیق آن در زیر اشاره شده است:

۱. تهمت و افترا

برخی گناهان در جامعه به صورت عرف درآمده و قبح آن از بین رفته است. در این میان، گناهان زبانی، مانند غیبت و تهمت از جمله گناهانی هستند که با توجه به مذموم بودن آن در اسلام، بسیار رایج و متداول گشته‌اند. گاهی به راحتی به تهمت دست می‌زنیم، در حالی که می‌دانیم گناه کبیره است و انسان را قطعاً در آتش جهنم خواهد انداخت. با توجه به این که هنگام طلاق، زوجین و اطرافیان‌شان دل‌خوشی از همدیگر ندارند و از طرفی برای این که نظر موافق دیگران را برای جدایی جلب کنند یا به عبارتی مظلوم‌نمایی نمایند می‌کوشند تمام اشتباهات گذشته را به

گردن طرف مقابل بیندازند و حتی پا را از این فراتر گذاشته به همدیگر تهمت‌های ناروا بزنند. مرد به همسرش تهمت می‌زند تا دامن پاک او را در میان جمع لکه‌دار نماید و او را بی‌آبرو سازد و بتواند راحت‌تر طلاقش دهد؛ چراکه به خیال باطل خود در این صورت شاید مهریه به او تعلق نگیرد و یا این‌که زن به خاطر آبرویش از مهریه بگذرد. خانم‌ها هم معمولاً تهمت اعتیاد می‌زنند. و گاهی خانواده مرد به زن و خانواده‌اش، و خانواده زن به مرد و خانواده‌اش تهمت می‌زند، این در حالی است که به عواقب این گناه کبیره نمی‌اندیشند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر [از هرگونه آلودگی] و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست.» در حدیثی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ - أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ - حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ^۱؛ هر کس به مرد یا زن مؤمن تهمت زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست، خداوند متعال در روز رستاخیز او را بر تلی از آتش نگه دارد تا از حرف خود درباره آن مومن برگردد.»

۲. غیبت و بدگویی

غیبت و بدگویی یکی دیگر از گناهای است که همسران موقع جدایی مرتکب می‌شوند. زوج‌هایی که قصد جدایی از همسرشان را دارند، برای خارج شدن آن تنگناهای روحی، مقصر جلوه دادن همسر، جلب دلسوزی و حمایت فامیل و برای جبران حقارت درونی، به جای اصلاح خود دیگری را پایین می‌آورد و از همسر خود نزد آنان غیبت و بدگویی می‌کنند و با این کار می‌خواهند کینه، حقد و حسدی که در وجودشان است را آرام کنند و از همسر خود انتقام بگیرند که این کار سبب لکه‌دار شدن آبروی اشخاص و رواج بدبینی می‌شود، به طوری که افراد را نسبت به شخصی که از او غیبت شده، بدبین می‌کند. در مسئله طلاق، آن‌چه باید مطرح باشد فقط طلاق است، سخن گفتن خارج از حق و انصاف، و عدالت و کرامت، جز گناه چیزی نیست. در قرآن کریم درباره غیبت چنین آمده است: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ

۱. نور، آیه ۲۳.

۲. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۴۹.

يَأْكُلُ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْنَاهُ؛^۱ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟» به یقین همه شما از این امر کراهت دارید.» با نگاهی به قرآن و روایات متوجه می‌شویم زندگی ما با آن‌چه که دین مقدس اسلام سفارش فرموده فاصله بسیاری دارد، توجه به تعالیم دینی، مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، فرد را از این پدیده دور می‌کند.

۳. درگیری لفظی و فیزیکی

یکی دیگر از رفتارهای غیراخلاقی بعضی زوجین در موقع جدایی، استفاده از الفاظ رکیک و فحاشی است که به دور از شرم و حیا به یکدیگر، فحش و دشنام می‌دهند و آبروی همدیگر را از بین می‌برند. اگر زن یا شوهر مقصر باشند، تقصیر هر یک، مجوزی برای ناسزاگویی به یکدیگر نیست؛ زیرا این کار سبب کدورت شدید میان زوجین می‌گردد. زن یا مردی که مورد هتاک و ناسزایی همسرش قرار گیرد، کینه او را به دل گرفته و از او منتفر می‌شود. بنابراین، در موقع طلاق باید جلو این مسأله نیز گرفته شود. در آیات و روایات از بدزبانی و دشنام نهی شده است، خداوند در این باره می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۲؛ و به بندگانم بگو: «آنچه را که بهتر است بگویند»، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۳، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویند. این آیه، حاوی دستور اخلاقی است که یکی از مهم‌ترین دستورهایی که در این آیه به انسان‌ها داده شده است، سخن‌گفتن با دیگران با زبان نیک و سخنان نیک و متقابلاً از مفهوم آیه چنین برمی‌آید که از سخنان زشت و بیهوده و از این‌که با مردم با تندخویی و سخنان رکیک صحبت کنند پرهیز نمایند، و این خود اهمیت دادن قرآن به حفظ آبروی دیگران را می‌رساند و این‌که انسان‌ها حتی در سخن‌گفتن نیز مواظب باشند سخنی بگویند که متعرض آبروی دیگران نشوند. در همین باره پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيٍّ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. اسراء، آیه ۵۳.

۳. بقره، آیه ۸۳.

مَا قِيلَ لَهُ، فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِعَيَّةٍ أَوْ شِرْكَ شَيْطَانٍ؛^۱ خداوند بهشت را حرام کرده بر هر دشنام دهنده بی آبروی بی حیایی که از آن چه می گوید و از آن چه به او گفته می شود باکی ندارد و متأثر و ناراحت نمی شود.» (مردی بعد از این که با همسرش برای جدایی به توافق رسید، در پی مشاجره لفظی (فحاشی و ناسزاگویی) دست به چاقو برد و او را با هشت ضربه به قتل رساند.)^۲ در برخی موارد، خانواده‌ها و خود زوجین پا را از بحث های لفظی فراتر می گذارند و با هم درگیری فیزیکی پیدا می کنند.

۴. استفاده ابزاری از حقوق قانونی برای تلافی

برخی زوجین در زمان طلاق، از حقوق قانونی خود مانند «حق اخذ مهریه» که متعلق به زن است و «حق طلاق» که برای مردان است و نیز دیگر حقوقی که طبق قانون، مستحق آن هستند به عنوان اهرمی برای آزار و اذیت طرف مقابل استفاده می کنند. بعضی زوجین به خاطر ناآگاهی از احکام دینی، مهریه‌های سنگین تعیین می نمایند و همین امر، عاملی برای ایجاد مشکل در هنگام جدایی و طلاق می شود. گویا مردان اطلاع کافی از این امر ندارند که مهریه، حق زن است، نگاه امروزی به مهریه با نگاه اسلامی ۱۸۰ درجه تفاوت دارد و معتقدند: «مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته.» این در حالی است که در روایات این مسأله تأیید نشده و مهریه حق زن دانسته شده است. رسول خدا ﷺ در این باره می فرمایند: «کسی که مهر زن را ظالمانه نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود و در روز قیامت، حضرت حق به او خطاب می کند: بنده من، کنیزم را براساس پیمانی که با تو بستم (عقد و ازدواج) به تو تزویج نمودم، به پیمان من وفا نکردی و بر او ستم روا داشتی، سپس به اندازه حق زن از حسنات مرد برداشته در پرونده همسرش می گذارند و چون حسنات به اندازه حق زن نباشد، به گناه پیمان شکنی به آتشش می برند.»^۳

بسیاری از مردان هنگام جدایی و بروز مشکلات فرد، تمایلی به پرداخت مهریه ندارد و همین عدم پرداخت، سبب ایجاد نفرت و کینه میان زوجین می شود، به گونه‌ای که یا زن مهریه خود را از روی اجبار می بخشد و از همسر خود کینه به دل می گیرد و یا مرد برای پرداخت مهریه به

۱. الهلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، ج ۲، ص ۹۵۶.

۲. سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۰/۱۰/۵، کد خبر: ۲۱۳۷۷۱.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۶۷.

مجلس بیست و چهارم: توصیه‌های اخلاقی اسلام هنگام طلاق (۱) ■ ۲۸۳

زندان می‌افتد که در این صورت نیز مرد از همسر خود کینه بیشتری به دل می‌گیرد و بدین ترتیب تلخی و مشکلات طلاق چند برابر می‌شود. در برخی موارد، برآورده نشدن حقوق طرفین سبب عصبانیت می‌شود و آنان را به انتقام‌گیری می‌کشاند. از باب نمونه به ماجراهای زیر توجه کنید: «در راهروی دادگاه ناگهان صدای درگیری زن و مرد جوانی در میان همه جمعیت بلند می‌شود. همه نگاه‌ها به سمت زوج جوان می‌چرخد. مرد جوان در حالی که از سالن خارج می‌شد با فریاد گفت: مهریه‌ات را می‌دهم، اما برای طلاق باید دنبالم بدوی. من طلاق نمی‌دهم. باید به زندگی با من ادامه بدهی. کاری می‌کنم هر روز هزار بار آرزوی مرگ کنی.»^۱

۱. خبرگزاری مهر، شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۰، کد خبر: ۱۵۱۸۰۲۳.